

واکاوی در سرچشمه‌های علل مهمل بودن برخی رجال شیعی

ثمین محمودی^۱، اعظم فرجامی^۲، روح‌اله بهرامی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲)

چکیده

رجال‌شناسان اهل سنت، گاهی روایانی را به عنوان شیعی معرفی می‌کنند که رجال-شناسان شیعه آنان را نمی‌شناسند یا مورد توجه جدی قرار نداده‌اند. به عبارت دیگر، آنان از نظر رجالی در منابع شیعی مهمل و مجهول هستند. منابع اهل سنت برخی از این افراد را از داعیان تشیع دانسته‌اند که در حوادث تاریخی نقش مهمی داشته‌اند. این روایان شیعی در منابع حدیثی عامه و منابع حدیثی شیعه امامیه یا زیدیه، درباره فضائل علی(ع) و سایر ائمه و گاه مسائل فقهی روایت دارند. این جستار پس از بررسی این افراد در منابع رجالی و حدیثی، ویژگی‌های شخصیتی و عقیدتی مشترک آن‌ها را مشخص کرده است که شامل اعتقاد به تشیع عام کوفی، وابستگی به غلو و تشیع سیاسی و ارتباط با تشیع کیسانی است. احتمال دارد نداشتن کتاب مستقل حدیثی، نقل نکردن از ائمه امامیه و تمایلات زیدی این رجال، سبب عدم توجه منابع رجالی شیعه امامی به این افراد شده است.

واژگان کلیدی: تشیع کوفی، روایان شیعه، رجال حدیث، منابع رجالی اهل سنت.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم و قرآن حدیث دانشگاه رازی؛ Email: Shmahmoudi@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم و قرآن حدیث دانشگاه رازی، (نویسنده مسئول)؛

Email: Azamfargami@yahoo.com

Email: Dr.bahrami2009@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه رازی؛

۱. مقدمه

این پژوهش برگرفته از پژوهشی بزرگتر است که در آن پنجاه راوی را که منابع اهل سنت آن‌ها را شیعی دانستند، بررسی کردیم. در میان این تعداد راوی شیعی، منابع رجال شیعه بسیاری از آن‌ها را نمی‌شناسند. اکنون در جستار پیش‌رو هفت راوی را معرفی می‌کنیم که در منابع رجال شیعه امامی ناشناخته باقی مانده‌اند و یا نام و شرح حال آن‌ها، مورد توجه جدی منابع رجالی قرار نگرفته است. پس از معرفی و روشن کردن وضعیت جرح و تعدیل آن‌ها، روایات این افراد در منابع حدیث شیعه بررسی و گزارش می‌شود تا میزان تأثیر روایات آن‌ها در منابع حدیث امامی و گاه زیدی مشخص شود. پس از آن به تحلیل این پرسش می‌پردازیم که به چه دلیل یا دلایلی این راویان شیعه در رجال شیعه گمنام و یا به اصطلاح رجالی، «مهمل» و گاه «مجهول» باقی ماندند؟

مهمل به آن دسته از راویانی می‌گویند که نامی از آن‌ها در کتب رجالی نیامده است [۷۵، ج ۱، ص ۲۹۱]. مجهول نیز راویانی هستند که اسم آن‌ها در کتاب‌های رجالی ذکر شده؛ اما وصف رجالی و مدح و ذم ندارند [۷۵، همان]؛ بنابراین می‌توان گفت رجال مهمل در دانش رجال‌شناسی تشیع به رجالی گفته شده که اسامی آن‌ها در حوادث تاریخی و روایات و احادیث در منابع و متون تاریخی آمده است؛ اما نام و شرح احوال مشخصی از آن‌ها در منابع اصلی و معتبر رجالی شیعه ذکر نشده است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره حضور راویان شیعه در منابع اهل سنت پژوهش‌های متعددی انجام شده است. بارزترین آن‌ها کتاب *رجال الشیعه فی اسانید السنه* است که در آن تنها به راویان شیعی که در کتب صحاح سته روایت دارند، پرداخته می‌شود. محمد غفوری نیز در مقاله‌ای به مفهوم‌شناسی شیعه در منابع اهل سنت پرداخته است [نک: ۶۷، سراسر مقاله]. این‌گونه آثار معمولاً به شرح حال و جایگاه راویانی با ویژگی‌های خاص مورد نظر در این پژوهش کم‌توجه بوده‌اند؛ بر این اساس مقایسه و تطبیق منابع رجالی شیعه و سنی و نیز تحلیل و شناسایی رجال مهمل ابعاد نوآورانه‌ای در پژوهش پیش‌رو دارد.

۳. شرح حال راویان

در این پژوهش هفت راوی برای نمونه انتخاب شدند که در شرح حال هر کدام

دیدگاه‌های رجالیان اهل سنت، مذهب راوی و سرانجام وضعیت رجالی و حدیثی او در منابع شیعه واکاوی می‌شود.

۳.۱. ابودریس سوار بن ادریس مَرهَبی همدانی (ح ۹۰ ق)

ابودریس راوی امام علی (م ۴۰ ق) و امام حسن (م ۵۴ ق) (ع) است [۱۷، ج ۵۸، ص ۱۹۴] و حبیب بن ابی‌ثابت (م ۱۱۹ ق) و سلمه بن کهیل (م ۱۲۲ ق) از وی نقل کردند [۷۸، ج ۱۲، ص ۲۴۱]؛ بنابراین ما با توجه به تاریخ درگذشت راوی و مروی‌عنه، به تخمین، حدود سال نود هجری را تاریخ درگذشت سوار بن ادریس در نظر گرفته‌ایم. او را از ثقات اهل کوفه با گرایش‌های شیعی دانستند و در ادامه توضیح دادند که تشیع امری عادی میان کوفیان تلقی می‌شده است [۷، ج ۱، ص ۶۱۷؛ ۱۵، ج ۱، ص ۳۷۰]. در عین حال که رجال‌شناسان اهل سنت روایات وی را مورد پذیرش دانستند، برخی از رجال‌شناسان کوشیدند دلائلی را برای تضعیف روایات وی بیابند و آن‌ها را مرسل دانستند [۲، ج ۴، ص ۲۷۰؛ ۴، ج ۴، ص ۳۳۸]. ترمذی (م ۲۷۹ ق) بعد از گزارش روایات ابودریس بر آن‌ها صحه گذاشته است [۳۳، ج ۴، ص ۴۷۸].

مذهب: در شرح حال ابودریس با عبارات «من عتق الشیعه»، «شیعی جلد» و «فیه تشیع» به شیعی بودن او اشاره کردند [۲، همان؛ ۱۵، همان؛ ۴۳، ج ۲، ص ۲۴۶]. برخی روایاتی که ترمذی و دیگر رجالیان به صورت مستند از وی تا پیامبر نقل می‌کنند، دلالت بر گرایش‌های شیعی سوار بن ادریس دارد؛ برای نمونه از وی احادیثی درباره مناقب حسن و حسین (علیهما السلام) و ... نقل کردند [۱۷، ج ۵۸، ص ۱۹۴؛ ۳۳، همان].

کتاب‌های شیعه: در منابع رجالی شیعی، به‌رغم جستجوی گسترده با کلید واژه‌های متفاوت، هیچ‌یک به ابودریس سوار بن ادریس مرهَبی اشاره نکردند. در منابع حدیث امامیه تنها یک روایت از او گزارش کرده‌اند [۸۰، صص ۳۳-۳۴]. محمد بن سلیمان کوفی با نقل ابودریس از دی چندین روایت از امام علی نقل می‌کند که احتمالاً همین راوی ما، ابودریس سوار بن ادریس، باشد [۷۶، ج ۲، صص ۵۳۳، ۵۴۳، ۵۴۵]؛ بنابراین می‌توان گفت ابودریس از راویان کهن کوفی است که در سده اول زیسته و درگذشته و صاحب کتابی نبوده که اسناد و روایاتش به دست شیعیان امامی یا زیدی و منابع آن‌ها در سده‌های میانی برسد. آنچه از یادکرد اسناد و شرح حال زندگی ابودریس باقی مانده، در کتاب‌های اهل سنت و توسط برخی راویان مشهورش مانند کثیرالنواء و سلمه بن کهیل است.

۲.۳. ابو عبدالله عبدالرحمن بن عبدربه جدلی (ح ۹۱-۱۰۰ ق)

ابو عبدالله جدلی یکی از راویان اهل کوفه و فرماندهان سپاه مختار بوده که امام علی و برخی از صحابه مانند همسران پیامبر را دیده است [۱۲، ج ۶، صص ۲۴۸، ۲۲۸]. رجال‌شناسان اهل سنت معمولاً عبدالرحمن بن عبدربه را توثیق و تأیید می‌کنند [۷، ج ۱، ص ۶۵۴؛ ۱۰، ج ۱، ص ۴۸؛ ۴۶، ج ۲، ص ۷۹۴؛ ۶۲، ج ۲، ص ۴۱۲]؛ گرچه برخی به ضعف وی در حدیث اشاره کردند [۱۲، همان]. ترمذی نیز پس از گزارش روایاتی از عبدالرحمن بن عبد، روایت او را حسن و صحیح برآورد می‌کند [۳۵، ج ۱، ص ۱۵۵؛ ۳، ص ۴۳۷]. معمولاً در نام این راوی و نام پدرش تخفیف راه یافته است و به صورت مختصر در اسناد منابع سنی، وی را «عبد بن عبد» می‌خوانند [نک: ۱، ج ۸، ص ۶۰]. از آن مشهورتر کنیه وی است؛ زیرا در بسیاری از اسناد و شرح حال‌های رجال با ضبط «ابو عبدالله جدلی» گزارش می‌شود.

ابو عبدالله جدلی از رهبران شیعی در کوفه بوده که در جنبش مختار سمت‌های اجرایی هم داشته و گفته شده، وی جانشین مختار در شهر کوفه بوده است [۲۴، ج ۲، صص ۴۸۶-۴۸۷]. همچنین فرماندهی سپاه مختار برای نجات ابن حنفیه از چنگ ابن زبیر را برعهده داشت [۳۱، صص ۱۸۰، ۱۵۳-۱۹۰]. از برخی روایات برمی‌آید که او امام جماعت کوفه در کنار شریح و قاضی بوده است [نک: ۱، ج ۲، ص ۳۱۶؛ ۵، ص ۲۷۹]. احتمالاً روایت نقل کردن در بیشتر افراد خانواده وی رایج بوده است؛ در کتاب‌ها از برادر و پسر ابو عبدالله جدلی نام برده می‌شود که راوی اسناد اهل سنت است [۷۹، صص ۳۴، ۱۳۸].

مذهب: بی‌شک ابو عبدالله جدلی از شیعیان کهن و علویان نخستین کوفه است. از اسناد و روایاتی که از او باقیمانده، برمی‌آید که از یاران خاص علی (ع) بوده و با امام گفتگو و همراهی داشته است [۷۲، ج ۱، ص ۱۸۵]. افزون بر همراهی ابو عبدالله جدلی در قیام مختار ثقفی، گفته شده او از رهبران جریان سیاسی و فکری خشبیه کیسانیه بوده و مدتی همراه ابن حنفیه در جبل رضوی ساکن بوده است [۳۲، صص ۶۹-۱۰۳]. رجال‌شناسان اهل سنت با عبارات «شدید التشیع»، «شیعی بغیض» و «رمی بالتشیع» به شیعی بودن عبد بن عبد اشاره کردند [۱۲، همان؛ ۴۳، ج ۴، ص ۵۴۴]. برخی روایاتی که نسائی و دیگر رجالیان به صورت مستند از وی تا پیامبر نقل می‌کنند، دلالت بر

۱. درباره نام دقیق وی و پدرش اختلاف است [نک: ۳۶، ج ۱۱، ص ۴۲۲].

گرایش‌های شیعی عبد بن عبد دارد [۸۴، ج ۷، ص ۴۴۱].

کتاب‌های شیعه: یکی از سرفصل‌های کتاب *الرجال* کشی، به ابو عبدالله جدلی اختصاص دارد که ضمن آن روایتی از گفتگوی وی با امام علی (ع) گزارش می‌شود [۷۱، ج ۱، ص ۳۰۷]. همچنین در زمره یاران امام علی در کتاب‌های طبقات رجال از وی با نام تحریف شده «عبید بن عبد» یاد شده و قیام‌کننده زیر پرچم لشکر مختار معرفی می‌شود [۵۸، ص ۷۱]؛ اما بیش از این چیزی که نشان‌دهنده توثیق یا تضعیف باشد، ذکر نشده است. در منابع حدیثی شیعیان، به فراوانی، روایات عبدالرحمن بن عبدربه، به ویژه در خصوص فضائل علی (ع) و اهل بیت، نقل می‌شود [۱۳، ج ۲، ص ۲۹۶؛ ۴۹، صص ۶۱-۶۳؛ ۵۷، ص ۴۹۳؛ ۶۶، ۲۵۷-۲۵۸؛ ۷۰، ج ۳، ص ۴۴۲؛ ۷۲، ج ۱، ص ۱۸۵؛ ۷۶، ج ۲، صص ۳۴۴-۳۴۶].

به نظر می‌رسد مختصات تشیع کوفی که بیشتر در فقه و اعتقادات فرقه‌های شیعی متأخرتر و سده‌های سوم و چهارم، شکل گرفت، در اعتقادات و روایات ابو عبدالله جدلی دیده می‌شود. از جمله روایت مشهور او درباره جواز مسح خفین از خزیمه بن ثابت از پیامبر به دفعات و با اسناد مختلف نقل شده است [۹، ج ۴۴، صص ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۹ و ...]. این باور درباره وضو گرفتن بر پاپوش هنگام سفر، بعدها از مشخصات فقهی بتریان زیدیه شد [۶۸، ص ۴۳]. از سوی دیگر حکم بن عتیبه که در کنار سردمداران زیدی بتریه نام برده می‌شود [۷۱، ج ۲، ص ۵۰۹]، از راویان اوست [۹، ج ۴۴، ص ۳۲۳]. افزون بر آن، حضور ابو عبدالله در سپاه و قیام مختار سبب محبوبیت ذاتی و طبیعی برای زیدیان متأخرتر است که همواره اندیشه قیام و شورش علیه ظلم، سرلوحه اعتقادات آن‌ها بوده است.

۳.۳. عدی بن ثابت (م ۱۱۶ ق)^۱

او را از برگزیدگان کوفه و نیز امیر الکوفه دانستند [۶، ص ۱۷۳]. درباره وثاقت عدی بن ثابت معمولاً بین رجال شناسان اهل سنت اتفاق نظر است. بسیاری او را ثقه و صدوق دانستند [۲، ج ۷، ص ۲؛ ۱۱، ج ۲، ص ۴۹۰؛ ۲۹، ج ۱، ص ۴۳۱؛ ۴۷، ص ۴۷؛ ۶۱، ج ۱، ص ۳۳۰؛ نک: ۴۱، ج ۱، ص ۳۰]. در عین حال، برخی احادیث وی را قوی و قابل اعتنا

۱. درباره تاریخ وفات وی اختلاف است. برخی او را متوفای بین سال‌های ۱۱۱-۱۲۹ ق. می‌دانند [۴۵، ج ۳، ص ۲۷۶] و برخی تاریخ وفات وی را سال‌های ۱۱۶ ق. و ۱۱۵ ق. برشمردند (نک: ۶۴، ج ۹، ص ۲۰۱ و نیز نک: ۷۴، ج ۶، ص ۸۱؛ ۲۹، ج ۱، ص ۴۹).

ندانسته‌اند [نک: ۱۴، ج ۱، ص ۱۷۷].

مذهب: برخی با عبارات «کان یتشیع»، «شیعی غال» یا «رافضی غال»، «رمی بالتشیع» و «یفرط فی التشیع» به شیعی بودن عدی بن ثابت اشاره کردند [۱۹، ج ۳، ص ۵۲۴]. همچنین وی را امام مسجد شیعیان و قصه‌گوی آنان معرفی کردند که اگر همه شیعیان مانند او بودند، شرشان کمتر می‌شد. به نظر می‌رسد اعتقادات شیعی عدی، با تندروی و قیام همراه نبوده یا علیه اعتقادات اهل سنت موضع‌گیری نداشته که سبب رضایت اهل سنت از وی شده است و حتی او را «اقول» (خوش‌سخن‌ترین) و بنا بر نقل دیگر «اقوم» (استوارترین) شیعیان دانستند: «ما أدرکنا أحدا أقول بقول الشيعة من عدی بن ثابت» [۴۳، ج ۳، ص ۶۱].

عدی از راویان پرروایت در میان کتاب‌های حدیثی اهل سنت است. او در همه کتاب‌های صحاح سته، به فراوانی، حدیث نقل کرده است. برخی از روایاتی که ابن ابی شیبیه و دیگران به صورت مستند از وی تا پیامبر (ص) و علی (ع) نقل می‌کنند، دلالت بر گرایش‌های شیعی عدی بن ثابت دارد؛ زیرا او راوی حدیث غدیر خم در منابع اهل سنت است [۲۹، ج ۱۲، ص ۷۸]؛ برای نمونه از وی احادیثی درباره حدیث منزلت در فضیلت امام علی (ع) و عدم دوستی با ابوبکر نقل کردند [۱، ج ۱۲، ص ۷۸؛ ۱۲، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ۱۸، ج ۸، ص ۴۹۶؛ ۶۳، ج ۶، ص ۲۸۵].

کتاب‌های شیعه: این محدث بزرگ، مشهور و پرروایت شیعی، در هیچ‌یک از کتاب‌های رجالی شیعی معرفی یا اشاره نشده است. با آنکه وی هم‌عصر امام سجاد و امام باقر زیسته است، از آن‌ها نیز روایتی ندارد؛ بنابراین تشیع کوفی وی از نوع تشیع خاصی بوده که با شهر مدینه و ائمه شیعیان آن ارتباطی نداشته و بیش از همه به فضل و فضائل علی، فاطمه و حسنین (ع) پرداخته است. در منابع فرعی حدیث امامیه گاهی به روایات عدی بن ثابت، به ویژه در خصوص فضائل علی (ع) و اهل بیت اشاره می‌شود [۳، ص ۲۱۷؛ ۳۷، ج ۳، ص ۴۱۰؛ ۵۴، ج ۱، ص ۲۳۴؛ ۵۷، ج ۱، ص ۲۸۳، ۲۹۲؛ ۲، ص ۵۶، ۶۳]. در سیزده حدیث یک کتاب فضائل‌نگاری کهن کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)، اسنادی به نقل عدی بن ثابت می‌آید [برای نمونه نک: ۷۶، ج ۱، ص ۴۴۲؛ ۲، ص ۱۸۱، ۳۶۸، ۳۷۰ و ...]. کتاب‌های کهن‌تر از کتاب محمد بن سلیمان کوفی نیز روایات عدی بن ثابت را ثبت کرده‌اند [نک: ۲۵، ج ۱، ص ۷۶، ۱۰۸؛ ۲، ج ۲، ص ۴۹]. این مطلب نشان می‌دهد، وی محدثی شیعی و کهن از اهالی کوفه بوده و احادیث وی در برخی کتاب‌های حدیثی این شهر به عصر ما رسیده است.

۴.۳. ابو عبدالله یزید بن ابی‌زیاد (۴۷-۱۳۷ ق)^۱

او اهل کوفه و مولای بنی‌هاشم بوده است [۲، ج ۹، ص ۲۶۵]. درباره وضعیت رجالی یزید بن ابی‌زیاد بین رجال‌شناسان اهل سنت اختلاف نظر است. برخی وی را ضعیف دانستند [۲، ج ۹، ص ۲۶۲؛ ۷، ج ۱، ص ۶۰۱؛ ۴۲، ج ۵، ص ۴۳۸] و برخی وی را صدوق و حتی ثقه معرفی کردند [۵، ج ۳، ص ۱۰۰؛ ۱۲، ج ۶، ص ۳۳۰؛ ۶۹، ج ۳، ص ۹۴]. برخی رجال‌شناسان دلیل یا دلایل ضعف یزید بن ابی‌زیاد را ذکر کردند؛ برای نمونه به کثیر الخطا و ساختگی بودن احادیث، تدلیس، اختلاط، سوء حفظ وی در نقل روایات اشاره کردند [۲۴، ج ۳، ص ۸۳۴؛ ۳۰، ج ۱، ص ۷۲]. گاهی نیز تعبیر «مُنکر الحدیث» و «رَفَاع» (رفع دهنده سند احادیث موقوف) را برای وی ذکر کردند [۲، ج ۹، ص ۲۶۵؛ ۲۶، ج ۸، ص ۳۳۴].

با این همه به نظر می‌رسد، برخی رجال‌شناسان کوشیدند دلایل بیشتری برای وثاقت و پذیرش روایات یزید بن ابی‌زیاد بیابند. وی را ثبت و احادیث وی را که به آن‌ها احتجاج نمی‌شد، قابل نگاشتن دانستند؛ زیرا او را در اساس راستگو معرفی کردند که به سبب پیری و کبر سن دچار خطا در حافظه شده و هر آنچه به او تلقین می‌شد، بدون ضابطه املا می‌کرد؛ بنابراین به این ترتیب معمولاً اختلاط در نقل احادیث یزید بن ابی‌زیاد را منحصر در اواخر عمرش و دلیل ضعف او را به حفظش نسبت داده‌اند [۵، ص ۱۰۱-۹۹؛ ۱۲، همان؛ ۲۴، ج ۳، ص ۸۳۴؛ ۴۲، ج ۳، ص ۱۴۳]. ابن عدی (م ۳۶۵ ق) نیز پس از گزارش روایاتی از یزید بن ابی‌زیاد او را چنین برآورد می‌کند: «یزید بن ابی‌زیاد از شیعیان کوفه است؛ اما با وجود ضعف، روایات وی نگاشته می‌شود» [۱۸، ج ۹، ص ۱۶۶-۱۶۳].

مذهب: یزید را از رهبران بزرگ شیعه معرفی کردند و تشیع وی را از نوع تشیع کوفی و نیز «داعی» اهل کوفه دانستند [۱۸، همان؛ ۶۹، ج ۳، ص ۹۴]. در منابع زیدی مراد از داعی اهل کوفه بیشتر مشخص می‌شود، یزید به عنوان یکی از دعوت‌کنندگان به قیام زید بن علی معرفی می‌شود که به سرزمین رقه رفته و گروهی با دعوت وی به زید بن علی پیوستند [۲۲، ص ۹۹]. در پاسخ پرسش ابوحنیفه از فقهای که با زید بن علی قیام کردند، به نام افرادی همچون سلمه بن کهیل و یزید بن ابی‌زیاد اشاره می‌شود [همان، ۱۰۰].

۱. درباره تاریخ وفات وی اختلاف بوده است. برخی او را متوفای سال ۱۳۶ ق. و برخی سال ۱۳۷ ق. می‌دانند [۴۵، ج ۳، ص ۷۵۳]؛ اما در کتب رجالی از یزید نقل شده که هنگام قتل حسین (ع) در کربلا من چهارده ساله بودم [۴۴، ج ۶، ص ۱۲۹، ۱۳۳]؛ بر این اساس سال تولد وی را به دست آوردیم.

بیشتر رجال‌شناسان اهل سنت با عبارات «کان شیعیاً»، «شیعی» و «من ائمه الشیعه الکبار» به شیعی بودن یزید بن ابی‌زیاد تصریح کردند [۱۸، همان؛ ۴۵، ج ۳، ص ۷۵۳]. برخی از روایات یزید در منابع اهل سنت، دلالت بر گرایش‌های شیعی یزید بن ابی‌زیاد دارد. برای نمونه از وی احادیثی درباره برتری آخرت بر دنیا برای بنی‌هاشم و نگرانی پیامبر (ص) از تنهایی بنی‌هاشم در دنیا پس از وی، دعا برای پلید ساختن و به حال خود واگذار کردن معاویه و عمرو عاص و ... نقل شده است. یکی از روایات وی پیش‌بینی قیام یاران پرچم سیاه از مشرق است که به نظر می‌رسد به نفع تأسیس حکومت بنی‌عباس صادر شده است [۱۸، همان؛ ۴۳، ج ۴، صص ۴۲۳، ۴۲۴؛ ۴۴، ج ۱۱، صص ۱۶۱-۱۶۵؛ ۶۳، ج ۴، ص ۳۷۹].

نظر نهایی درباره روایات راوی: پس از قرن سوم، عجلی و منابع متأخرتر و حتی معاصر سنی، بیشتر به یادکرد ویژگی‌ها و خصال نیک و پسندیده یزید بن ابی‌زیاد پرداختند. او را شیخ، امام، ثقه، «جائز الحدیث»، محدثاً مکتراً، کان من اوعیه العلم و ... ذکر کردند [۴۴، صص ۱۳۳-۱۲۹؛ ۴۵، ج ۳، ص ۷۵۳؛ ۶۱، ج ۱، ص ۴۷۹].

کتاب‌های شیعه: با آنکه منابع اهل سنت وی را از رهبران بزرگ شیعه معرفی می‌کنند، در منابع رجالی شیعی، یزید بن ابی‌زیاد مهمل است و از وی نامی برده نمی‌شود. به نظر می‌رسد در نام وی هنگام گزارش نام یزید، تصحیف رخ داده و از وی با عنوان «یزید بن زیاد کوفی» در شمار اصحاب امام باقر ذکر شده است [۵۸، ص ۱۴۹]. از آن شگفت‌تر، یادکرد کشی است که ضمن سندی از یزید بن ابی‌زیاد نام می‌برد و آن سند را «من جهة العامه» می‌خواند [۷۱، ج ۲، ص ۳۱۶] که نشان می‌دهد تقریباً رجال‌شناسان امامی یزید را به عنوان راوی شیعی نمی‌شناختند. این احتمال وقتی تقویت می‌شود که اشاره شد وی را از داعیان قیام زید معرفی کردند و بنابراین وی را باید از شیعیان زیدی دانست. در حالت فرضی دوم می‌توان گفت یزید بن ابی‌زیاد که در منابع اهل سنت به تدلیس مشهور است و به‌رغم جستجوهای فراوان نام پدرش را نیافتیم، در اسناد روایات و نیز کتب رجال شیعی با نام دیگری جزء یزید بن ابی‌زیاد ذکر شده است و نام وی تدلیس و پنهان شده است.

منابع معاصر زیدیه به شدت به یزید بن ابی‌زیاد اظهار ارادت دارند و تمام تضعیف و ایرادات رجالیان اهل سنت به وی را رد کرده‌اند [نک: ۲۸، صص ۲۴۳-۲۴۷]. در منابع حدیث امامیه گاهی به روایات یزید بن ابی‌زیاد، در خصوص فضیلت فاطمه (س) و لعن

شرکت‌کنندگان در جنگ جمل اشاره می‌شود [۵۱، ۱۶۳؛ ۵۴، صص ۶۹۰-۶۹۱؛ ۵۷، صص ۷۲۶-۴۸؛ ۵۹، ج ۹، صص ۱۰۴-۱۰۵؛ نک: ۷۲، ج ۶، صص ۳۹۸-۳۹۹؛ ۸۱، صص ۲۵۹-۲۶۰].

از این روایات برمی‌آید که یزید بن ابی‌زیاد، امام باقر (ع) را ملاقات کرده و شاگرد و راوی ایشان بوده است. درباره فضائل علی (ع) مانند اخوت علی و پیامبر و دیگر برتری‌های علی (ع) و خاندان اهل‌بیت بیش از پانزده روایت در کتاب مناقب الامام امیرالمؤمنین یافتیم [برای نمونه نک: ۷۶، ج ۱، صص ۳۰۵، ۳۱۹، ۵۱۷؛ ج ۲، صص ۵، ۹۹ و ...]. دیگر منابع کهن زیدی مانند الامالی احمد بن عیسی و کتاب‌الذکر محمد بن منصور مرادی نیز روایاتی از یزید بن ابی‌زیاد را گزارش کردند [برای نمونه نک: ۷۷، ج ۱، صص ۲۹۵، ج ۲، صص ۲۹۶؛ ۲۵، ج ۱، صص ۳۲۷، ۳۷۸].

۳. ۵. ابويعفور عبدالكريم بن يعفور جعفی (م ۱۸۱-۱۹۰ ق؟)^۱

وی را شیخی از اهالی کوفه معرفی کردند [۴۵، ج ۴، ص ۹۱۸] که چندان مشهور نبوده است [۲، ج ۶، ص ۶۱]؛ گرچه رجال‌شناسان متأخرتر و گاه سهل‌گیر مانند ابن حبان (م ۳۵۴ ق)، وی را در شمار ثقات نام بردند [۴، ج ۸، ص ۴۲۳؛ و نیز نک: ۱۵، ج ۲، ص ۱۰۱۲].

مذهب: رجال‌شناسان اهل سنت معمولاً با عبارات «مِن عَتُق الشَّيْعَةِ»، «کان فیه تشیع» و «مِن اجلاد شیعه» به شیعی بودن عبدالکریم بن یعفور اشاره کردند [۲، همان؛ ۴۸، ج ۴، ص ۹۱۸]. او بسیار کم روایت است؛ با این همه برخی روایاتی که ابن عساکر و دیگر رجالیان به صورت مستند از وی تا پیامبر نقل می‌کنند، دلالت بر گرایش‌های شیعی عبدالکریم بن یعفور دارد؛ برای نمونه از وی احادیثی درباره فضیلت امام علی و نحوه تولد امام حسین، نقل کردند [۱۷، ج ۴۲، ص ۱۳۲].

کتاب‌های شیعه: در منابع رجالی شیعی، عبدالکریم بن یعفور معرفی و جرح و تعدیل نشده است؛ به نظر می‌رسد روایات این راوی گمنام شیعی به منابع شیعی راه نیافته است تا مورد شناسایی و معرفی رجال‌شناسان قرار گیرد. در منابع فرعی حدیث زیدیه و امامیه گاهی به روایات عبدالکریم بن یعفور، به ویژه در خصوص سرور مسلمین

۱. تاریخ وفات وی را بر اساس تاریخی که محقق کتاب *التاریخ الکبیر*، به تخمین، گزارش کرده، آوردیم [۲۶، ج ۶، ص ۹۱].

و بهترین مردم بودن امام علی، اتفاقات ماورایی در پدیده‌های طبیعی بعد از شهادت امام حسین و ... اشاره می‌شود [۲۱، ص ۶۳؛ ۴۸، ص ۴۷۸؛ ۵۰، صص ۵۵۵؛ ۵۹، ج ۶، ص ۲۴۲؛ ۶۵، صص ۲۶۵-۲۶۶؛ ۷۶، ج ۱، صص ۱۹۴، ۳۹۴].

۳.۶. حسین بن حسن اشقر فزاری (م ۲۰۸ ق)^۱

او از اهالی کوفه است که درباره وضعیت رجالی و پذیرش روایاتش بین رجال‌شناسان اهل سنت اختلاف نظر است. برخی او را منکر الحدیث دانستند که دچار وهم می‌شد [۲، ج ۲، صص ۵۰، ۴۹؛ ۷، ج ۱، ص ۱۶۶؛ ۲۴، ج ۳، ص ۸۰۲؛ ۲۷، ج ۲، ص ۳۱۹] و برخی وی را صدوق معرفی کردند [۲۰، ج ۱، ص ۴۳۵].

ضعف یا وثاقت: معمولاً پذیرش روایات حسین بن حسن در میان رجال‌شناسان اهل سنت، با تردید همراه است و او را «لیس بالقوی» قضاوت کردند [۲، ج ۲، صص ۵۰، ۴۹؛ ۲۶، ج ۲، صص ۳۸۵؛ ۸۳، ج ۱، ص ۳۳]. ابن عدی (م ۳۶۵ ق) نیز پس از گزارش روایتی منکر از حسین بن حسن، آفت و بلای روایت را از سمت حسین اشقر می‌داند [۱۸، ج ۳، صص ۲۳۳-۲۳۶]؛ گرچه همو پس از نقل چندین روایت از حسین اشقر درباره فضائل اهل بیت، همه روایات وی را منکر و ضعیف برآورد نمی‌کند و او را مقصر همه مناکیر نمی‌داند: «حسین اشقر غیر از این حدیث، روایاتی دارد و هرآنچه که از او، احادیث منکر روایت می‌کنند، آفت حدیث از سمت او نیست؛ بلکه از سمت کسانی است که از حسین روایت می‌کنند؛ زیرا گروهی از ضعفای کوفه روایاتی را به حسین اشقر حواله دادند» [۱۸، همان].

مذهب: شاید بتوان دلیل دیگر تضعیف و عدم توجه محدثان اهل سنت به حسین بن حسن را، مذهب و اعتقاد وی دانست. در شرح حال او برخی با عبارات «من الشيعة الغالية الكبار»، «یغلو فی التشیع» به شیعی بودن حسین بن حسن اشاره کردند [۷، همان؛ ۲۰، همان]. غلو و زیاده‌روی حسین در تشیع را به این صورت توضیح دادند که به صحابی برگزیده دشنام می‌داد «غال من الشتامین للخیرة» [۱۸، ج ۳، صص ۲۳۳-۲۳۶]. گفته شده وی احادیثی علیه معایب ابوبکر و عمر نقل می‌کرد که سبب ترک محدثان هم‌عصرش مثل احمد بن حنبل شده است [۷، همان]. برخی روایاتی که ابن عدی و دیگر رجالیان به

۱. درباره تاریخ وفات وی اختلاف است. برخی وفات وی را بین سال‌های ۲۰۱-۲۱۰ ق. می‌دانند [۴۵، ج ۵، ص ۵۲] و برخی وی را متوفای سال ۲۰۸ ق. برشمردند [۷، ج ۱، ص ۱۶۶؛ ۲۴، ج ۳، ص ۸۰۲].

صورت مستند از وی تا پیامبر نقل می‌کنند، دلالت بر گرایش‌های شیعی حسین بن حسن دارد؛ برای نمونه از وی احادیثی درباره فضائل امام حسین و امام حسن (علیهما السلام) و حدیث منزلت در فضیلت امام علی نقل کردند [۱۸، همان].

کتاب‌های شیعه: در منابع رجالی شیعی، حسین بن حسن اشقر معرفی یا جرح و تعدیل نشده و کاملاً مهمل است. منابع حدیث فرعی و اصلی امامیه و گاه زیدیه مانند *الامالی*، *دلایل الامامة*، *الخصال*، *العمدة*، *المسترشد* گاهی به روایات حسین بن حسن، به ویژه در خصوص فضائل علی (ع)، اهل بیت و فاطمه (س) تصریح می‌شود؛ برای نمونه خبر دادن پیامبر به ایشان درباره نزول وحی بر خودش، داناترین مردم بعد از پیامبر امام علی است، برتری دوازده امام که از فرزندان امام علی هستند، دوست داشتن اهل بیت و شفاعت توسط اهل بیت، سرزنش افرادی که به امام علی ایمان نمی‌آوردند، در مورد امر خداوند به پیامبر در مورد دوست داشتن امام علی، مقداد بن اسود، ابوذر و سلمان فارسی، امام علی سید عرب است و دوست داشتن و اکرام امام علی به مثابه دوست داشتن و اکرام پیامبر هست، فضیلت فاطمه (س) در روز قیامت و کرامت دادن حضرت فاطمه به سبب ازدواجش با امام علی که امام علی بدبارترین و داناترین مردم و مقدم بر مسلمانان است و امام حسن و حسین از فرزندان وی هستند، انتخاب امام علی به عنوان جانشین و وصی پیامبر، ویژگی‌های اهل بیت چون بهترین نبی که پیامبر هست از میان آن‌ها انتخاب شده، بهترین وصی که امام علی باشد از آن‌هاست، برترین شهدا، حمزه بن عبد المطلب از آن‌هاست، جعفر طیار و نوادگان این امت حسن و حسین (علیهما السلام) و مهدی (عج) نیز از اهل بیت‌اند. [۳، ص ۳۸۳؛ ۴۰، صص ۲۳۸—۲۳۹؛ ۵۱، ص ۲۷۰؛ ۵۳، ص ۶۴۲؛ ۵۴، صص ۱۸۳—۱۸۴؛ ۵۶، ص ۱۴۲؛ ۵۷، صص ۱۵۵—۱۵۴؛ ۸۱، صص ۴۳—۴۵، ۱۲۴—۱۲۵]. محمد بن سلیمان کوفی و دیگر نویسندگان کتاب‌های زیدیان پیش از وی، نیز بارها از احادیث حسین بن حسن اشقر در فضل و برتری‌های علی (ع) استفاده کرده‌اند [۲۵، ج ۱، ص ۱۰۶، ۱۲۷؛ ۷۶، ج ۱، صص ۱۵۵، ۱۹۹، ۲۷۳؛ ۷۷، ج ۲۸۵].

۷.۳. ابوالحسن علی بن قادم خزاعی (م ۲۱۳ ق)^۱

وی از اهالی کوفی است که درباره وضعیت رجالی او بین رجال‌شناسان اهل سنت

۱. درباره تاریخ وفات وی اختلاف است. برخی او را متوفای سال ۲۱۲ ق. می‌دانند [نک: ۷۸، ج ۲۱، ص ۱۰۸] و برخی او را از فوت شدگان سال ۲۱۳ ق. و گاه متوفای بین سال‌های ۲۱۱—۲۲۰ ق. برشمردند [۴، ج ۷، ص ۲۱۴؛ ۱۲، ج ۶، صص ۴۰۴، ۳۷۱؛ ۴۵، ج ۵، ص ۴۰۷].

اختلاف نظر است. برخی او را ضعیف و منکر الحدیث دانستند [۱۶، ج ۳، ص ۲۰۳؛ ۱۲، ج ۶، ص ۴۰۴، ۳۷۱؛ ۶۳، ج ۳، ص ۲۵۲] و برخی وی را صدوق یا محله الصدق و حتی ثقه معرفی کردند و معمولاً ابن ابی شیبیه و اهل عراق از او روایت می‌کردند [۲، ج ۶، ص ۲۰۱؛ ۵، ج ۱، ص ۱۴۸؛ ۱۶، همان؛ ۴۷، ص ۲۸۵؛ ۶۲، ج ۲، ص ۱۵۶].

برخی رجال‌شناسان دلیل یا دلایل ضعف علی بن قادم را ذکر کردند؛ برای نمونه به روایات مردود زیادی که از وی نقل شده است، اشاره دارند [۱۲، ج ۶، صص ۴۰۴، ۳۷۱]. رجال‌شناسان اهل سنت درباره پذیرش یا رد روایات علی بن قادم با عباراتی مانند «کان ممتنع» (غیر مقبول) و «فیه مقال» (درباره او بحث است) وی را داوری و قضاوت کردند [۸، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ۱۲، همان]. در عین حال که علی بن قادم را ضعیف دانستند، رجال‌شناسان متأخرتر به بعد، کوشیدند دلایل بیشتری برای وثاقت و پذیرش روایات علی بن قادم ببینند و احادیث او را «صویلح الحدیث» (صاحب روایات صالح) و وی را «ثقه مامون» و «کوفی صالح» ذکر کنند [۴۷، ص ۲۸۵].

ابن عدی نیز پس از گزارش روایاتی از علی بن قادم او را چنین برآورد می‌کند: «من احادیثی را که علی بن قادم از ثوری روایت کرده، غیر محفوظ و دچار عیب می‌دانم؛ گرچه او از کسانی است که روایاتش نوشته می‌شود» [۱۸، ج ۶، صص ۳۴۴-۳۴۵]. از میان کتاب‌های شش گانه حدیثی اهل سنت، ابوداود سجستانی (م ۲۷۵ ق) و ترمذی (م ۲۷۹ ق) روایات علی بن قادم را گزارش کردند [۲۳، ج ۱، ص ۲۶۱؛ ۳۴، ج ۱، ص ۴۲؛ ۵، ج ۵، صص ۳۰۰، ۳۶۰].

مذهب: شاید بتوان دلیل دیگر تضعیف و عدم توجه رجال‌شناسان اهل سنت به علی بن قادم را، مذهب و اعتقاد وی دانست. (فسوی ۲۷۷ ق) گزارش می‌دهد: «علی بن قادم برای ما حدیث می‌گفت و من از کتابت احادیث وی به سبب تشیع او خودداری کردم تا آنکه دیدم که همه مردان پیر و با سابقه ما حدیث وی را می‌نویسند و او را ثقه می‌دانند» [۶۹، ج ۲، ص ۴۳۶]. در شرح حال وی برخی با عبارات «شدید التشیع»، «یتشیع»، «شیعی کوفی فیه مقال» و «یمیل إلی التشیع» به شیعی بودن علی بن قادم اشاره کردند [۷، ج ۱، ص ۴۰۴؛ ۸، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ۱۲، همان].

برخی روایاتی که ابن عدی و دیگر رجالیان به صورت مستند از وی تا پیامبر نقل می‌کنند، دلالت بر گرایش‌های شیعی علی بن قادم دارد؛ برای نمونه آنکه پیامبر امام علی را برادر خود در دنیا و آخرت خوانده است، برادر ندانستن کسی که علی (ع) و عمار یاسر را کوچک بشمارد، حوادث جنگ صفین و ... از این دسته است [۱۸، ج ۲، ص ۵۱۰؛ ۵، ج ۱۵؛ ۶، صص ۳۴۴-۳۴۵؛ ۳۹، ج ۳، ص ۱۱۲؛ ۴۳، ج ۳، ص ۱۵۰].

کتاب‌های شیعه: در منابع رجالی شیعه علی بن قادم شرح حال جداگانه‌ای ندارد و تنها ضمن معرفی از محدثان، از وی به عنوان یکی از محدثان مشهور اهل سنت هم‌ردیف ابوداود طیالسی (م ۲۰۴ ق) نام برده شده است [۸۲، ص ۶۶]. در منابع فرعی حدیث امامیه مانند المسترشد، الغیبه، الامالی، شرح الاخبار، الغارات و ... و به ندرت منابع فقهی چون، *علل الشرائع* گاهی به روایات علی بن قادم در خصوص فضیلت امام علی و اهل بیت مانند حدیث تطهیر، ظهور مهدی (عج)، تفسیر حدیث غدیر، طلب استغفار برای دشنام دادن به امام علی (ع)، اخوت امام علی با پیامبر در دنیا و آخرت، انتخاب امام علی و ارجحیت امام علی برای تبلیغ دین و خبر اعلام بیزاری خدا و پیامبر از مشرکانی که با آن‌ها پیمان بسته‌اند، امر و نهی امام علی بر مردم و به مردم برای گرفتن حق و حقوقشان و جنگ برای آن و مطالبی دیگر مانند تفسیر آیاتی از سوره اسراء، حدید، هود و انبیاء و ... اشاره می‌شود [۳۷، ج ۱، صص ۳۱-۳۲، ۱۹-۲۰؛ ۷۰، ج ۲، صص ۵۳۸-۵۳۹؛ ۵۲، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ۵۴، صص ۵۹۷-۵۹۸؛ ۵۷، ص ۲۴۷؛ ۶۰، صص ۱۸۰، ۱۸۲].

شش روایت نیز در کتاب زیدیان کوفی، *مناقب الامام امیرالمؤمنین*، از علی بن قادم نقل شده که معمولاً حاوی اسناد منحصر به فرد از راویان شیعی و کهن کوفی است و در منابع دیگر راه نیافته است [۷۶، ج ۱، صص ۳۵۴، ۳۵۷، ۵۱۷؛ ج ۲، صص ۵۵۳، ۵۸۰].

۴. بررسی داده‌ها

خلاصه اطلاعات ذکر شده دربارهٔ راویان را می‌توان در جدول زیر نشان داد.

ردیف	نام راوی	مذهب	دورهٔ حیات	الفاظ توثیق و تضعیف	تبار و شهر
	ابودریس سوار بن ادریس	«من عتق الشیعه»، «شیعی جلد» و «قیه تشیع»	حدود ۹۰ ق	از ثقات کوفی / گاهی او را تضعیف کرده‌اند	همدانی / شهر کوفه
	ابوعبدالله جدلی عبدالرحمن بن عبدربه	«شدیدالتشیع»، «شیعی بغیض» و «رمی بالتشیع»	درگذشته بین سال‌های ۹۱-۱۰۰ ق	توثیق	کوفی / جدلی
	عدی بن ثابت	«کان یتشیع»،	درگذشته	«ثقه» «اقول» و	کوفی

		«شیعی غال»، «رافضی غال»، «رمی بالتشیع» و «یفرط فی التشیع»	به سال ۱۱۶ ق	«اقوم»، صدوق، ثقه	
	ابوعبدالله یزید بن ابی زیاد	«کان شیعیاً»، «شیعی» و «من ائمہ الشیعه الکبار»	۴۷-۱۳۷ ق	«لیس بحجه»، «لیس هو بالمتقن»، «لیس بالقوی»، «منکر الحدیث» و «رقاع»/صدوق و ثقه	کوفی/از موالی بنی‌هاشم
	ابویعفر عبدالکریم بن یعفور جعفی	«من عتق الشیعه»، «کان فیه تشیع» و «من اجلاد شیعه»	درگذشته بین سال- های ۱۸۱- ۱۹۰ ق	لیس بالمعروف/ من ثقات	کوفی/جعفی
	حسین بن حسن اشقر فزاری	«من الشیعه الغالبه الکبار»، «یغلو فی التشیع» و «غال من الشتامین للخیره»	درگذشته بین سال‌های ۲۰۸-۲۱۰ ق	منکر الحدیث؛ «لیس بالقوی» و «فیه نظر»	کوفی/ابن فزاره
	ابوالحسن علی بن قادم	«شدید التشیع»، «یتشیع»، «شیعی کوفی فیه مقال» و «یمیل إلی التشیع»	(م ۲۱۳ ق)	منکر الحدیث، ضعیف/صدق و ثقه	کوفی/خزاعی

جدول ۱. داده‌های تاریخی، شخصیتی، عقیدتی و تبارشناسی

۱.۴. تحلیل داده‌های جدول

اگر بخواهیم نگاهی کلی و همه‌جانبه به بررسی‌ها و توصیف‌های مذکور داشته باشیم، دو نکته اساسی از این داده به دست می‌آید. نخست درباره‌ی الفاظی که رجالیان اهل سنت با آن‌ها راویان شیعه را معرفی کردند، باید نکاتی گفت و سپس درباره‌ی منابع شاهد شیعی یعنی کتاب‌های زیدیه ملاحظاتی را توجه کرد.

۴. ۱. ۱. الفاظ رجالیان اهل سنت دربارهٔ تشیع راویان

برخی محققان معاصر معتقدند دو اصطلاح «عُتُقُ الشَّيْعَةِ» و «جَلْدُ الشَّيْعَةِ» در اصطلاح محدثان و رجال‌شناسان اهل سنت مترادف و به معنای غلو و صلابت و سختی در اعتقاد به تشیع بوده است. طبق برخی پژوهش‌ها معمولاً به شیعیانی که علی را برتر از شیخین بدانند جلد شیعی گفته شده است [نک: ۶۷، ص ۱۱۹].

عُتُقُ جمع کلمه عتیق به معنای «الْقَدِيمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْكَرِيمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْخِيَارُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» یعنی کهن، گرامی و برگزیده از هر چیزی است [۳۸، ج ۴، ص ۱۵۲۱]. «جَلْدُ» که گاهی رجال‌شناسان اهل سنت جمع آن یعنی اجلاد را برای راویان شیعی، به کار برده‌اند، به معنای صلب و سفتی زمین و به کنایه صلابت و پابرجایی در اعتقاد معنا شده است [همان، ج ۲، ص ۴۵۸].

به نظر می‌رسد تشیع افراطی یا غلوآمیزی که رجال‌شناسان اهل سنت از آن یاد کردند، مربوط به برخی مختصات اعتقادی این افراد است که با دیدگاه‌های اصلی اهل سنت مانند عدالت صحابه ناسازگار و حتی متضاد بوده است. برای نمونه در شرح حال حسین بن حسن اشقر گفته شده است که به صحابه برگزیده دشنام می‌داد یا عیوب ابوبکر و عمر را برمی‌شمرد.

۴. ۱. ۲. وجود احادیث راویان در منابع کهن کوفی و زیدی

نکته قابل توجه دیگر که در بارهٔ این روایان قابل توصیف و بررسی است، وجود روایات این راویان در منابع کهن کوفی، به ویژه آثار زیدیان است. احمد بن عیسی (۱۵۷-۲۴۷ ق) و محمد بن منصور مرادی (۲۹۰/۳۰۰ ق)، برخی از روایات و محمد بن سلیمان کوفی (م ۳۲۲ ق) تقریباً روایات همهٔ این افراد را ذکر کردند. احتمالاً این نویسندگان زیدی منتقل‌کنندهٔ اسناد و روایات مشایخ شیعی کهن کوفه به منابع حدیث امامیه هستند. برخی از این روایان مانند یزید بن ابی‌زیاد (م ۱۳۷ ق) از داعیان و پیروان زید بن علی (ع) بودند و برخی مانند حسین بن حسن اشقر (م ۲۰۸ ق) اعتقادات مشابه جارودیان زیدیه داشتند که صحابه را شتم می‌کردند [۶۸، ص ۴۶]؛ بنابراین، به گمانه، می‌توان گفت این محدثان کهن شیعی و اهل کوفه، پایه‌گذار اعتقادات زیدیه بودند و بر این اساس نویسندگان زیدی، روایات آن‌ها را نقل و ذکر کردند. به طور کلی نتایج زیر را می‌توان از داده‌های جدول به دست آورد:

- همهٔ رجال خاستگاهی از شهر کوفه دارند.
- همهٔ رجال مذکور در ردیف تابعین یا تبع تابعین بوده‌اند؛ بنابراین تشیع نخستین، به ویژه تشیع نخستین کوفی را، باید براساس اعتقادات آن‌ها به دست آورد.
- به جزء یک نفر که از موالی بنی‌هاشم بوده، همه از طوایف و قبایل معتبر عرب بوده‌اند.
- اکثر این رجال به عنوان رجال غالی و یا رجالی که دارای تمایلات شیعی بوده‌اند، معرفی شده‌اند.
- علی‌رغم تمایلات شیعی، اغلب احادیث آنان مورد تصدیق و استفاده منابع اهل سنت، قرار گرفته است.
- در منابع رجالی شیعی به جزء موارد اندک و نادر، معمولاً به صورت ناشناخته و حتی مهمل باقی مانده‌اند.

۵. برآیند

این پژوهش برگرفته از پژوهشی بزرگتر و وسیع‌تر است که در آن شرح حال پنجاه راوی از سده‌های اول تا سوم را بررسی دقیق و موشکافانه کردیم. همهٔ این راویان در منابع رجالی اهل سنت به عنوان شیعی معرفی شدند. پس از مقایسهٔ نام این راویان منسوب به شیعه در منابع رجال شیعه، دریافتیم عموم این راویان مهمل یا مجهول هستند؛ به عبارت دیگر منابع رجال شیعه آن‌ها را نمی‌شناسند. تنها یک هفتم این تعداد راویان توثیق یا تضعیف شدند و بقیه ناشناخته هستند؛ اعم از اینکه نامشان در کتاب‌های رجالی آمده یا حتی به نام آن‌ها اشاره نشده است.

وضعیت رجالی	مهمل	مجهول	توثیق	تضعیف
تعداد راویان	۱۴	۲۸	۷	۱

جدول ۲. آمار و تعداد راویان مجهول، مهمل و مدح و ذم شده

از میان ۲۸ راوی مجهول، برخی از آن‌ها با اسامی تصحیف و تحریف شده در منابع رجالی شیعه نام برده شدند؛ برای نمونه زیاد بن ابی‌زیاد با ضبط زیاد بن زیاد معرفی شده است. از سوی دیگر ۲۳ راوی فقط در کتاب *الرجال* شیخ طوسی نام برده شده است که احتمالاً متأثر از منابعش مانند *الرجال* ابن عقده آن‌ها را ذکر می‌کند. با این همه تعداد راویان ناشناخته اعم از مجهول یا مهمل که به‌رغم جستجوهای فراوان

با اسامی مختلف هیچ ردّ و اثری دیگر در منابع رجال شیعه نداشتند، قابل توجه است. عوامل و اسباب زیر را می‌توان دلایل مهمل و ناشناخته ماندن راویانی دانست که در منابع رجال اهل سنت به عنوان شیعه معرفی می‌شوند؛ اما در منابع رجال شیعه توصیفی ندارند:

الف) احتمال دارد دیدگاه رجال‌شناسان اهل سنت و شیعه، نسبت به مفهوم «شیعه»، متفاوت بوده است؛ بنابراین از دو نگاه مختلف به یک کلمه و اصطلاح پرداختند. بر این اساس، مشخصات رجالی آن‌ها در منابع رجالی شیعه مهمل و بدون یادکرد باقی مانده است. طبق یک پژوهش، رجالیان متقدم اهل سنت، شیعیان غالی را معمولاً به کسی اطلاق می‌کردند که بر عثمان، زبیر، طلحه و معاویه خرده می‌گرفتند (۶۷، ص ۱۱۸). در چنین برداشتی و تعریفی از تشیع از نظر منابع اهل سنت هر کس به علی (ع) ارادت دارد و فضائل او را نقل می‌کند و یا عثمان و طلحه و زبیر و معاویه و سایر صحابه را مذمت می‌کرده‌اند یا در باب علی بن ابی طالب به گزافه سخن می‌گفته‌اند، شیعه نامیده می‌شود.

در مقابل این تعریف، رجالیان شیعه هر کس را که خلافت خلفاء را مقدم بر علی بدانند، به سبب نگاه متفاوتش درباره امام علی (ع)، راوی شیعی و خودی ندانسته؛ بلکه او را عامی و از اهل سنت دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر وی را دچار فساد مذهب و غیر خودی تلقی کردند؛ چنان‌که کشی و نجاشی، یزید بن ابی‌زیاد (م ۱۳۷ ق) و علی بن قادم (م ۲۱۳ ق) را به سبب چنین باورهایی از اهل سنت معرفی کردند.

بر این اساس، تفاوت معنا در اندیشه منابع رجالی اهل سنت و شیعه درباره مفهوم «شیعی»، اسباب مهمل ماندن شرح احوال رجال منسوب به تشیع در منابع شیعه شده است. **ب)** دلیل دیگر این است که این راویان، صاحب کتاب نبودند یا کتاب آن‌ها به دست رجالیان شیعه نرسیده است که در منابع رجال شیعه بدائنها پرداخته شود. از آن روی که دو کتاب رجالی متقدم شیعه، *الرجال نجاشی* و *الفهرست شیخ طوسی*، براساس نویسندگان شیعی که صاحب کتاب بودند، شکل گرفته‌اند. اگر این احتمال و فرضیه را بپذیریم، یاد نکردن برقی و طوسی در کتاب‌های طبقات *گونه الرجال*، قابل توجیه نخواهد بود.

ج) احتمال دیگر آن است که این راویان با جریان‌های کیسانیه، مختاریه، خشبیه و هاشمیه نسبت و رفت و آمده داشته‌اند؛ از این رو علی‌رغم تمایلات شیعی‌شان، چون بعدها مورد بهره برداری عباسیان واقع شده‌اند و بستر ظهور فرق غالی منسوب به تشیع واقع شده‌اند، اسامی این رجال و راویان غالی شیعی حتی در کتاب‌های طبقات و شمار اصحاب دوازده امام هم ذکر نشدند.

د) احتمال دیگر آن است که این راویان نه تنها صاحب کتاب نبودند؛ بلکه از ائمه شیعه هم عصر خود، چندان روایتی نقل نکرده‌اند و از نگاه رجالیان شیعی، شیعه تلقی نشده و به شرح حال آن‌ها پرداخته نشده است. درباره چرایی این پدیده، اولین احتمالی که به ذهن می‌رسد آن است که این راویان هرچند علائق شیعی داشته و به اهل بیت علاقه‌مند بوده‌اند ولی پایبند مرجعیت علمی و سیاسی ائمه امامیه نبوده‌اند.

ه) احتمال آخر آن است که سوگیری نویسندگان شیعی نخستین، مانع از درج نام این راویان شیعی در کتاب‌های رجال شده است. *الرجال* ابن عقده که طوسی در مقدمه کتابش از آن یاد کرده، یکی از کتاب‌های رجالی نخستین است. ابن عقده جارودی مذهب است و جارودیه در تقابل با فرقه دیگر زیدیه، بتریه، قرار داشتند و همواره علیه جارودیه و جارودیه علیه بتریه حدیث و خبر نقل می‌کردند. احتمال دارد ابن عقده از ذکر راویان بتریه، به سبب تعصب اعتقادی خودداری کرده است؛ زیرا مختصات بسیاری از محدثان کهن کوفی یادشده، با دیدگاه بتریان هم‌خوانی دارد.

منابع

- [۱]. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹). *المصنف*. محقق: سعید اللحام، بیروت، دارالفکر.
- [۲]. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۲). *الجرح والتعديل*. بیروت، دارإحياء التراث العربی.
- [۳]. ابن بطریق، یحیی بن حسن (۱۴۰۷). *العمدة*. قم، مؤسسه جماعه المدرسين النشر الإسلامی.
- [۴]. ابن حبان، محمد (۱۴۱۱). *مشاهیر علماء الامصار و اعلام فقهاء الاقطار*. مصر، دارالوفاء.
- [۵]. ----- (۱۳۹۶). *المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین*. حلب، دارالوعی.
- [۶]. ----- (۱۳۹۳). *الثقات*. حیدر آباد دکن، دائرة المعارف العثمانیة.
- [۷]. ابن حجر، احمد بن علی (۱۴۱۴). *مواقفة الخیر فی تخریج أحادیث المختصر*. ریاض، مکتبه الرشد.
- [۸]. ----- (۱۴۰۶). *تقریب التهذیب*. سوریه، دارالرشید.
- [۹]. ابن حنبل، احمد (?). *المسند*. نسخه مکتبه الشاملة.
- [۱۰]. ----- (۱۴۲۲). *العلل و معرفة الرجال*. ریاض، دارالخانی.
- [۱۱]. ----- (۱۴۰۹). *من کلام احمد بن حنبل فی علل الحدیث و معرفة الرجال*. محقق: صبحی بدری، ریاض، مکتبه المعارف.
- [۱۲]. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰). *الطبقات الکبری*. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۱۳]. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶). *مناقب آل ابی طالب*. نجف، مکتبه الحیدریه.
- [۱۴]. ابن شاهین، ابو حفص عمرو بن حفص (۱۴۰۴). *تاریخ اسماء الثقات*. کویت، الدارالسلفیة.
- [۱۵]. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۰۵). *الاستغناء فی معرفة المشهورین من حملة العلم بالکنی*. تحقیق: عبدالله السوالمة، ریاض، دار ابن تیمیة.

- [۱۶]. ابن قطان فاسی، علی بن محمد (۱۴۱۸). *بیان الوهم و الإیهام فی کتاب الأحکام*. ریاض، دار طيبة.
- [۱۷]. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). *تاریخ مدینه دمشق*. بیروت، دارالفکر.
- [۱۸]. ابن عدی، ابواحمد (۱۴۱۸). *الکامل فی الضعفاء*. تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، بیروت، الکتب العلمیة.
- [۱۹]. ابن معین، یحیی بن معین (۱۴۰۸). *سؤالات ابن الجنید لأبی زکریا یحیی بن معین*. مدینه، مکتبة الدار.
- [۲۰]. ————— (۱۳۹۹). *تاریخ ابن معین (روایة الدوری)*. مکه، مرکز البحث العلمی و احیاء التراث الاسلامی.
- [۲۱]. ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۳۶۹). *مثیر الأحزان*. نجف، مطبعة الحیدریة.
- [۲۲]. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۹۶۵). *مقاتل الطالبین*. نجف، منشورات المکتبة الحیدریة و مطبعتها.
- [۲۳]. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰). *سنن ابی داود*. بیروت، دارالفکر.
- [۲۴]. ابوزرعہ رازی، عبیدالله بن عبدالکریم (۱۴۰۲). *الضعفاء و أجوبة أبی زرعة الرازی علی سؤالات البرذعی*. مدینه، الجامعہ الاسلامیة.
- [۲۵]. احمد بن عیسی، الامالی. نسخة مکتبه الشامله.
- [۲۶]. بخاری، محمد بن اسماعیل (۴). *التاریخ الکبیر*. حیدرآباد دکن، دائرة المعارف العثمانیة.
- [۲۷]. ————— (۱۳۹۷). *التاریخ الصغیر*. قاهره، مکتبة دارالتراث.
- [۲۸]. بدرالدین حوثی، (۲۰۰۲). *الغارة السریعة لرد الطلیعة*. تحقیق: عبدالکریم جدبان، نسخه مکتبه الشامله.
- [۲۹]. برقانی، احمد بن محمد (۴). *سؤالات ابی بکر البرقانی للدارقطنی فی الجرح و التعدیل*. مصر، مکتبة القرآن.
- [۳۰]. ————— (۱۴۰۴). *سؤالات البرقانی للدارقطنی روایة الکرچی عنه*. لاهور، کتب خانہ جمیلی.
- [۳۱]. بهرامی، روح‌اله (۱۳۹۴). *کیسانیه: جریان‌های فکری و تکاپو‌های سیاسی (تأملاتی جدید در باب زوال امویان و برآمدن عباسیان)*. تهران، انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۱۸۰، ۱۵۳-۱۹۰.
- [۳۲]. ————— (۱۳۸۲). «منازعة محمد بن حنفيه و عبد الله بن زبير و ظهور خشبيه». *فصلنامه تاریخ اسلام*، سال چهارم، شماره مسلسل ۱۶، زمستان، صص ۶۹-۱۰۳.
- [۳۳]. ترمذی، ابوعیسی محمد (۱۴۰۳). *سنن الترمذی (جامع الصحیح)*. تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر.
- [۳۴]. ————— (۱۹۹۸). *الجامع الکبیر (سنن الترمذی)*. محقق: بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- [۳۵]. ————— (۱۳۹۵). *السنن*. مصر، شركة مکتبة و مطبعة مصطفى البابي حلبی.
- [۳۶]. تستری، محمدتقی (۱۴۲۲). *قاموس الرجال*. تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی، قم، جماعة المدرسین حوزه علمیه.
- [۳۷]. ثقفی، ابراهیم بن محمد (۴). *الغارات*. (بی‌جا).
- [۳۸]. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد (۱۹۸۷). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*. تحقیق: حمد عبدالغفور عطار. بیروت، دارالعلم للملایین.
- [۳۹]. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۴۰]. خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱). *کفایة الاثر*. قم، بیدار.
- [۴۱]. دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۰۳). *الصفات*. محقق: علی بن محمد فقیهی، (بی‌جا)، (بی‌نا).
- [۴۲]. ————— (۱۴۲۴). *السنن*. بیروت، مؤسسه الرسالة.
- [۴۳]. ذهبی، محمد بن احمد (۴). *المغنی فی الضعفاء*. محقق: نور الدین عتر، نسخه مکتبه الشامله.

- [۴۴]. ----- (۲۰۰۳). *تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*. تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الإسلامی.
- [۴۵]. ----- (۱۴۰۵). *سیر اعلام النبلاء*. بیروت، مؤسسة الرسالة.
- [۴۶]. ----- (۱۳۸۷). *دیوان الضعفاء و المتروکین و خلق من المجهولین و ثقات فیهم لین*. تحقیق: حماد بن محمد الأنصاری، مکه، مكتبة النهضة الحديثة.
- [۴۷]. ----- (۱۳۸۲). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*. بیروت، دارالمعرفة.
- [۴۸]. سید ابن طاووس، علی (۱۴۱۹). *فرحة الغری*. تحقیق: تحسین آل شبيب موسوی، (بی‌جا)، (بی‌نا).
- [۴۹]. ----- (۱۴۱۳). *التحصین*. قم، مؤسسة دارالکتاب.
- [۵۰]. ----- (۱۴۱۳). *الیقین*. تحقیق: انصاری، تهران، مؤسسة دارالکتاب (الجزائری).
- [۵۱]. صدوق، محمد بن علی (۱۹۶۶). *علل الشرائع*. تحقیق و مقدمه: محمد صادق بحر العلوم، نجف، مكتبة حیدریة.
- [۵۲]. ----- (۱۴۱۷). *الامالی*. قم، مؤسسة البعثة.
- [۵۳]. ----- (۱۴۰۳). *الخصال*. قم، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية.
- [۵۴]. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵). *المستترشد*. قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور.
- [۵۶]. ----- (۱۴۱۳). *دلائل الامامة*. قم، مؤسسة البعثة.
- [۵۷]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵). *الرجال*. قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- [۵۸]. ----- (۱۴۱۴). *الامالی*. قم، دارالثقافة.
- [۵۹]. ----- (۱۴۱۱). *الغیبة*. قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة.
- [۶۰]. ----- (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- [۶۱]. عجلی، احمد بن عبد الله (۱۴۰۵). *تاریخ الثقات*. مکه، دارالباز.
- [۶۲]. ----- (۱۴۰۵). *معرفة الثقات*. مدینة، مكتبة الدار.
- [۶۳]. عقیلی، محمد بن عمرو (۱۴۰۴). *الضعفاء الکبیر*. تحقیق: عبد المعطی امین قلجعی، بیروت، دارالمکتبة العلمية.
- [۶۴]. علاء الدین، مغلطای بن قلیچ (۱۴۲۲). *إکمال تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*. محقق: ابو عبد الرحمن عادل بن محمد، قاهره، الفاروق الحديثة.
- [۶۵]. علامة حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۶). *المستجد من الارشاد (المجموعه)*. قم، مکتب آية الله العظمی مرعشی.
- [۶۶]. عمادالدین طوسی، ابو جعفر محمد بن علی (۱۴۱۲). *الثاقب فی المناقب*. محقق: نبیل رضا علوان، قم، مؤسسة انصاریان.
- [۶۷]. غفوری، محمد (۱۳۹۱). «مفهوم شناسی شیعه در منابع اهل سنت». *پژوهشنامه تاریخ اسلام*، سال دوم، شماره ششم، تابستان.
- [۶۸]. فرجامی، اعظم (۱۳۹۴). *زیدیة و حدیث امامیه*. قم، دارالحدیث.
- [۶۹]. فسوی، یعقوب بن سفیان (۱۴۰۱). *المعرفة و التاريخ*. بیروت، مؤسسة الرسالة.
- [۷۰]. قاضی نعمانی، ابوحنیفه محمد (۴). *شرح الاخبار*. تحقیق: محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

- [۷۱]. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴). *الرجال*. قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- [۷۲]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*. تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۷۴]. مالک بن انس، ابو عبدالله اصبحی (۱۴۲۵). *الموطأ*. ابوظبی (امارات)، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان.
- [۷۵]. مامقانی، عبدالله (۱۳۸۵). *مقياس الهداية*. تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم، دلیل ما.
- [۷۶]. محمد بن سلیمان کوفی (۱۴۱۲). *مناقب الامام امير المؤمنين (ع)*. قم، مجمع احياء الثقافة الاسلاميه.
- [۷۷]. محمد بن منصور مرادی (؟). *كتاب الذكر*. نسخه مکتبه الشامله.
- [۷۸]. مزی، یوسف بن عبد الرحمن (۱۴۰۰). *تهذيب الكمال في اسماء الرجال*. محقق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- [۷۹]. مسلم بن حجاج، ابوالحسین نیشاپوری (۱۴۰۸). *المنفردات و الوجدان*. تحقیق: عبد الغفار سلیمان بغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۸۰]. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴). *الامالی*. بیروت، دارالمفید.
- [۸۱]. ----- (۱۴۱۴). *الكافئة*. بیروت، دارالمفید.
- [۸۲]. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶). *الرجال*. قم، جماعة المدرسين مؤسسة النشر الاسلامی.
- [۸۳]. نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۲۱). *السنن الكبرى (سنن النسائي)*. تحقیق: حسن شلبی، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- [۸۴]. ----- (۱۳۹۶). *الضعفاء و المتروكون*. حلب، دارالوعی.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی